

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال دوم (۱۳۹۱)، شماره هفتم

شیوه‌های بهره‌وری از روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) در بینش اندیشمندان اهل سنت

حسین خاکپور^۱
احمد عابدی^۲

چکیده

اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به عنوان وارثان علم پیامبر (ص)، بهترین رهنمودها را برای هدایت مردم ارائه کرده‌اند که بخشی از آنها در روایات تفسیری این بزرگواران نمود یافته است. جمع قابل توجهی از اندیشمندان اهل سنت به نقل احادیث اهل بیت (ع) به عنوان صحابه یا تابعین جلیل القدر- همت گماشته و از آنها به گونه‌های مختلف بهره برده‌اند.

مقاله حاضر به روش توصیفی - اسنادی با رویکردی قرآنی - روایی، پس از مطالعه در تفاسیر روایی و غیر روایی اهل سنت و تأمل در سایر کتب آنها، به تحلیل و تقسیم‌بندی بهره‌گیری اندیشمندان اهل سنت از روایات اهل بیت (ع) پرداخته و ضمن گونه‌شناسی، اقسام آنها را در قالب موارد ذیل بیان می‌دارد: «بهره‌وری ترجیحی» که در آن، روایت اهل بیت (ع) بر سایر احادیث، ترجیح داده می‌شود؛ «بهره‌وری تأییدی» که روایت امام توسط روایت پیامبر (ص) یا سایرین تأیید می‌شود؛ «بهره‌وری انکاری»؛ «بهره‌وری تضعیفی» و «بهره‌وری انتقادی» از موارد دیگری است که این نوشته به آنها می‌پردازد. واژگان کلیدی: اهل بیت، اهل سنت، روایات تفسیری، استناد، بهره‌وری.

۱. استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان / dr.khakpour@theo.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه قم / info@ahmad-abedi.ir

طرح و بیان مسأله

اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارثان علم پیامبر و عالم‌ترین افراد به تفسیر قرآن هستند و شکی نیست که مهم‌ترین تفسیرها و تأویل‌ها - پس از رسول اکرم - توسط این خاندان به ما رسیده است. اما باید دانست که غیر مستند بودن دسته‌ای از روایات تفسیری (معرفت، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۷۶ / علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۹۹) و ظنی و گمان‌محور بودن پاره‌ای دیگر، کارایی اینگونه احادیث را منحصر به روش تفسیر و شیوه برداشت از قرآن کرده است و به دیگر سخن، بیشتر، نقش آموزشی و تعلیمی دارد که بررسی دقیق روش‌شناسانه آنها راه درست تفسیر را به مفسر نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۸۵).

بر کسی پوشیده نیست که علم قرآن مخصوص این خاندان است، چنانکه شهرستانی می‌گوید: «لَقَدْ كَانَ الصَّحَابَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ مُتَّفِقِينَ عَلَى أَنَّ عِلْمَ الْقُرْآنِ مَخْصُوصٌ بِأَهْلِ الْبَيْتِ إِذْ كَانُوا يَسْأَلُونَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، هَلْ خُصِّصْتُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ دُونَنَا بِشَيْءٍ سِوَى الْقُرْآنِ وَ كَانَ يَقُولُ: لَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ إِلَّا مَا فِي قِرَابِ سَيْفِي»: «صحابه بر این، اتفاق نظر داشتند که علم قرآن اختصاص به اهل بیت دارد، زیرا از علی (ع) سؤال می‌کردند: آیا به شما چیزی غیر از قرآن اختصاص داده شده است؟ و ایشان جواب می‌داد: نه - قسم به کسی که دانه را شکافت و نسلها را به وجود آورد - مگر آن چیزی که در غلاف شمشیرم است» (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۰۵ / قریب به این مضمون: ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۶۰۹). او در ادامه می‌گوید: «اینکه صحابه، قرآن را استثناء کردند دلیل بر آن است که آنان اجماع داشتند که علم به تنزیل و تأویل قرآن، مخصوص اهل بیت است». «همو در جای دیگر «اهل قرآن» را صدیقین از اهل بیت پیامبر (ص) می‌داند (ر.ک. شهرستانی، همان، ص ۷۵).

عده زیادی از علمای اهل سنت حضرت علی (ع) را سرآمد مفسرین دانسته‌اند؛ زیرا شاهد نزول تمام آیات قرآن بوده است (ر.ک. ابن عطیه، ۱۴۱۳، ص ۳ / قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۵ / سمرقندی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۵ / قاسمی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹ / مناوی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۶ / ذهبی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۸۹). در اختصاص علم قرآن به خاندان وحی و رسالت (امامان اهل بیت) کلمات بسیاری وارد شده که به ذکر کلامی درباره امام باقر (ع) بسنده می‌کنیم. گروهی از بزرگان اهل سنت، امام باقر (ع) را «تالی کتاب خدا» و «اعلم به قرآن، حدیث، تفسیر و فقه» دانسته‌اند که بزرگان تابعین از ایشان حدیث نقل می‌نمودند (ر.ک.

زرکلی، ۱۹۸۴، ج ۶، ص ۲۷۰ / شبرای، ۱۳۶۳، ص ۱۴۳ / سویدی، ۱۴۰۶، ص ۷۴ / قرمانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۳۱ / ذهبی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۱۲۰ و ج ۴، ص ۴۰۶).

نظر به جایگاه اهل بیت و روایات تفسیری آنها در کلام اندیشمندان اهل سنت، پرداختن به گونه‌های بهره‌گیری این فرهیختگان از روایات امامان دوازده‌گانه، ضرورت و اهمیت بیشتری می‌یابد. از آنجا که رویکرد محققان، تأمل در مصادری بوده که صرفاً به نقل روایات اهل بیت پرداخته‌اند، پس از استخراج بیش از هزار روایت تفسیری (از امامان معصوم) در مصادر اهل سنت (ر.ک: خاکپور، ۱۳۸۷، ص ۴۰) به تبیین گونه‌های بهره‌وری آن می‌پردازد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که: اندیشمندان اهل سنت چه گونه از روایات تفسیری اهل بیت (ع) بهره‌وری کرده‌اند؟

مفهوم‌شناسی

الف: اهل بیت

مقصود از اهل بیت پیامبر- مذکور در آیه ۳۳ سوره احزاب - امام علی، فاطمه، امام حسن و حسین (ع) است که شواهد فراوان روایی معتبر آن را تأیید می‌کنند (واحدی، ۱۴۰۲، ص ۲۰۰ / آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۱ / طبری، ۱۴۲۱، ج ۱۲، صص ۹-۱۲ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۶، صص ۶۰۳-۶۰۶ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۴۹۴ / ابن ابی حاتم، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۳۳۱ / حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۱۶ / حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۲). بنابراین، مقصود ما در این نوشته، علاوه بر امامان پیش گفته، سایر امامان دوازده‌گانه شیعه را نیز شامل می‌شود. اما از آنجا که روایات امام جواد تا امام حسن عسکری بسیار اندک یا در حد استدلالات قرآنی این بزرگواران نقل شده (ر.ک. سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۹۵ / سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۹۶ / ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۷۵ / صفدی، ۱۳۸۱، ج ۲۲، ص ۷۳). تحقیق حاضر به سایر امامان اختصاص دارد.

باید دانست اهل سنت اخبار اهل بیت (ع) را به صورت مطلق نمی‌پذیرند. گروهی از آنها - امام علی، حسن و حسین (ع) - جزو صحابه شمرده می‌شوند که روایات آنان در حکم احادیث صحابه مورد قبول اهل سنت است (ر.ک. پی‌نوشت شماره ۱) و دسته‌ای جزو تابعان و یا تابع تابعان که اگر طریق حدیث از نظر آنان صحیح باشد و راویان حدیث در منابع رجالی آنها تضعیف نشده باشند، برای آنان قابل قبول است (ر.ک. پی‌نوشت شماره ۲).

ب) روایات تفسیری

روایات تفسیری: روایاتی را گویند که در تبیین مفاد آیات قرآن، مدلول‌ها و مقاصد آنها دخالت دارند (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۵۷) مقصود ما در این نوشتار، همه گونه‌ها و اقسام روایاتی است که از اهل بیت نقل شده و یا حاکی از فعل آنهاست که به شکلی در تفسیر قرآن دخیل هستند.

اگرچه برخی از این روایات را به مفهوم دقیق کلمه نمی‌توان در زمره تفسیر به شمار آورد، اما هر آنچه در حوزه معاشناسی واژگان، مدالیل الفاظ، یا تبیین احکام، بیان مصداقی و ... از اهل بیت نقل شده مورد نظر خواهد بود و در این حیطه، بهره‌وری اندیشمندان اهل سنت از این گونه احادیث بیان می‌شود.

۱. بهره‌وری ترجیحی

مقصود ما از این قسم، آن است که اندیشمند (اهل سنت) پس از نقل سخن اهل بیت (ع) و دیگران، سخن امام را بر سایر نظرها ترجیح می‌دهد. شهرستانی یکی از مفسرین اهل سنت در عالم بودن اهل بیت (ع) به اسرار نهانی و اختصاص آن به این بزرگواران، می‌گوید:

«مَا مِنْ لَفْظٍ عَامٍّ فِي الْقُرْآنِ أَلَّا وَقَدْ دَخَلَهُ التَّخْصِیْصُ وَ مَا مِنْ تَخْصِیْصٍ أَلَّا وَقَدْ قَارَنَهُ التَّشْخِیْصُ وَ هُوَ فِي بَيَانِ أَسْرَارٍ يَكْثُرُ مِنْ تَشْخِیْصِ الْخَاصِّ مَثَلًا أَهْلُ الْبَيْتِ غَالِبًا»: «هیچ لفظ عامی نیست مگر اینکه تخصیص هم در آن داخل شده و هیچ تخصیصی نیست مگر نیاز به تشخیص دارد که تشخیص آن از اسرار آن است و این از عهده اهل بیت (ع) برمی‌آید. بر این اساس، تفسیر اهل بیت (ع) جایگاه خاصی دارد و ترجیح روایات آنها در مواردی چند نمود پیدا می‌کند» (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۰) که به برخی اشاره می‌شود.

۱-۱. ترجیح صریح

در پاره‌ای موارد ترجیح بیان شده به صورت صریح بوده و اندیشمند اهل سنت به نام امام نیز تصریح می‌کند که خود در موضوع‌های زیر قابل مشاهده است.

۱-۱-۱. ترجیح در موضوع‌های اعتقادی

از جمله مسائل مهم اعتقادی، دفاع از حریم عصمت انبیای الهی (ع) است. در میان ترجیح روایات اهل بیت (ع) این نوع نمود بیشتری دارد؛ زیرا غالب اندیشمندان اهل سنت سخن

بی‌بدیل اهل بیت عصمت و طهارت را بر سایر اقوال ترجیح داده و بر بلندای فهم وارثان علم نبی (ص) اذعان نموده‌اند. به عنوان نمونه، قرطبی پس از نقل سخن امام سجّاد (ع) در مورد جریان رسول الله (ص) و زینب بنت جحش می‌گوید: «فعلیّ بن الحسین جاء بهذا من خزانه العلم جوهرًا من الجواهر ودُرًّا من الدّرر»: «علی بن الحسین امام سجّاد (ع) از خزانه علم بی‌انتهایش گوهری و از میان دُرها، مرواریدی گفته است» (قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، صص ۱۹۱ و ۱۹۳).

«آلوسی» هم، پس از نقل سخن امام سجّاد (ع) می‌گوید: «وَأَلَسَلَمُ مَا ذَكَرْنَاهُ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ»: «نظریه سالم‌تر و صحیح‌تر همان است که از زین العابدین گفتیم» (آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۲۴). «بغوی» نیز پس از نقل سخن امام (ع) می‌گوید «هَذَا قَوْلٌ حَسَنٌ مَرُضٌ»: «این سخن پسندیده و مورد قبول می‌باشد» (بغوی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۵۸). متن روایت چنین است:

«رَوَى سُفْيَانُ بْنُ عَيِّنَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدِ بْنِ جُدْعَانَ قَالَ: سَأَلَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ مَا يَقُولُ الْحَسَنُ فِي قَوْلِهِ ﴿وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ...﴾؟ قُلْتُ: يَقُولُ: لَمَّا جَاءَ زَيْدٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُطَلِّقَ زَيْنَبَ فَأَعْجَبَهُ ذَلِكَ، فَقَالَ: أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ، فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: لَيْسَ كَذَلِكَ، بَلْ كَانَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ أَعْلَمَهُ أَنَّهَا سَتَكُونُ مِنْ أَرْوَاجِهِ وَأَنَّ زَيْدًا سَيَطْلُقُهَا فَلَمَّا جَاءَ زَيْدٌ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُطَلِّقَهَا قَالَ لَهُ: أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ، فَعَاتَبَهُ اللَّهُ وَ قَالَ لِمَ قُلْتَ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَقَدْ أَعْلَمْتُكَ أَنَّهَا سَتَكُونُ مِنْ أَرْوَاجِكَ» (بغوی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۵۸).

مضمون روایت این است که علی بن زید می‌گوید: علی بن حسین، زین العابدین درباره نظر حسن [بصری] پیرامون آیه ﴿وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ...﴾ (الأحزاب: ۳۳ / ۳۷) از من سؤال کرد. من گفتم: حسن بصری می‌گوید: زید خدمت پیامبر رسید و گفت: می‌خواهم همسر زینب را طلاق دهم، حضرت رسول اکرم از سخن او تعجب کرد و به وی فرمود: همسرت را نگه دار، و تقوا پیشه کن. امام سجّاد (ع) گفت: این طور نیست؛ خدا به پیامبر اکرم خبر داده بود که زید همسر خویش زینب را طلاق خواهد داد و زینب جزو همسران او خواهد شد. هنگامی که زید [برای شکایت از همسرش] نزد پیامبر اکرم (ص) رسید [و ناسازگاری خویش را با همسرش بیان داشت] و گفت می‌خواهم او را طلاق دهم، پیامبر (ص) (به واسطه مصالحی که وجود داشت خبر جبرئیل را کتمان کرد و) به زید توصیه نمود که همسرش را نگه دارد. در این هنگام، آیه شریفه نازل شد و پیامبر را [در رابطه با کتمان این امر] مورد عتاب قرار داد که چرا

به زید گفتی که همسرت را نگه دار؛ در حالی که من به تو خبر داده بودم که زینب از همسران تو خواهد بود.

شبهه این روایت را غالب مفسّران اهل سنّت نقل نموده و روایت امام را بر سایر نظرات ترجیح داده‌اند (ر.ک: قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۱۴، ص ۱۸۹ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۲۱۲ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۷۸۱ / آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۲۴ / میبدی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۴۹ / بغوی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۵۸ / طبری، ۱۴۲۱، ج ۲۳، ص ۱۳ / مظهری، ۱۴۲۵، ج ۷، ص ۳۴۹).

بر مبنای این تفسیر از آیه کریمه، پیامبر اکرم از هرگونه پنداری که موجب لکّه‌دار شدن شخصیت الهی او شود، مبرا بوده و این دقیقاً همان چیزی است که آیات و روایات در مورد انبیاء به طور کلی و نسبت به پیامبر بالخصوص تأکید دارد و به تعبیر دیگر، این تفسیر از آیه فوق، با بینش کلی قرآن در مورد انبیا هماهنگ است و به همین دلیل علمای اسلامی آن را بهترین تفسیر آیه شریفه می‌دانند.

در مورد سایر پیامبران هم روایاتی از اهل بیت (ع) و ترجیح آنها توسط علماء اهل سنّت نقل شده است (ر.ک: آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۱۴ / شوکانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۴ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۴، صص ۵۲۱ و ۵۲۴ / قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۱۵، ص ۱۹۶ / اصفهانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۹۸ / بغوی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۵۴ / مظهری، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۴ / اسفرائینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۶۷).

۱-۱-۲. ترجیح در موضوع‌های فقهی

در بحث آیات الاحکام هم به موارد متعدّدی برمی‌خوریم که روایت اهل بیت (ع) - بخصوص امام علی (ع) - بر سایر اقوال ترجیح داده شده است. از امام علی (ع) روایت شده که منظور از «صلاة وسطی» در آیه ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (البقره: ۲ / ۲۳۸) نماز عصر است (ر.ک: طبری، ۱۴۲۱، ج ۲، صص ۵۵۸ و ۵۶۱ / آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۵۶ / ابن عطیه، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۳۲۲ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۴۱۰). طبری ضمن ترجیح این سخن می‌گوید: آن را وسطی گفته‌اند چون قبل و بعد آن، دو نماز است» (طبری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۶۷).

نمونه‌ای دیگر: دارقطنی از امام باقر (ع) روایت نموده که فرمود: «لَوْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ أُصَلِّ فِيهَا عَلَى النَّبِيِّ وَلَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لَرَأَيْتُ أَهْلًا لَا تَتِمُّونَ...»: «اگر نمازی بخوانم که در آن بر محمد و

اهل بیت او سلام نفرستم (در تشهّد)، چنین می‌بینیم که نماز کامل نیست» (قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۴). قرطبی این روایت را با دید قبول، نقل نموده است. ابن کثیر در ذیل کسانی که صلوات بر پیامبر و آل او را در نماز واجب می‌دانند، از تابعین، ابوجعفر الباقر (ع) و دیگران را نقل می‌کند (ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۵، ص ۴۹۷). در مباحث فقهی نمونه‌های بسیاری از ترجیح کلام اهل بیت (ع) بر سایر سخن‌ها مشاهده می‌شود که به همین مقدار بسنده می‌کنیم (ر.ک. قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۲۴۱ و ج ۲، ص ۲۴۱ و ۳۳۳ و ۳۸۵ و ج ۱۷، ص ۲۵ / شوکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸ و ج ۳، ص ۲۸۲ / طبری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۱۰ و ج ۱۰، ص ۶۹ و ج ۱۱، ص ۷۱ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۴۷۳ / آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۴۶ و ج ۲۹، ص ۹۱ / مراغی، ۱۹۹۸، ج ۲۶، ص ۱۸ / ترمذی، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۳۳۸ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۷ / نحاس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۲).

۱-۱-۳. ترجیح در موضوع‌های اخلاقی

پاره‌ای از مفسران اهل سنت هنگام مواجهه با برخی از تفاسیر اهل بیت (ع) بویژه در مسائل اخلاقی - نه تنها آن را بر سایر اقوال ترجیح داده، بلکه به توضیح سخن امام می‌پردازند. به عنوان نمونه، ذیل آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (النحل: ۹۷/۱۶) از امام علی (ع) درباره حیات طیبه سؤال شد، فرمودند: «هِيَ الْقَنَاعَةُ»؛ مراد، قناعت است و سپس امام قناعت را می‌ستاید (ثعالبی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۳۲). محمد بن جریر طبری در تفسیر خود، می‌افزاید: «این تفسیر از حیات طیبه تفسیری بس نیکو و پسندیده است، برآستی مگر زندگی پاک جز در سایه قناعت به دست می‌آید؟ از روزگاران کهن، مفسران بسیاری مصداق «حیوة طیبه» را قناعت دانسته‌اند». واحدی نوشته است کسی که «حیات طیبه» را قناعت دانسته گزینش نیکو کرده است. زندگی جز با قناعت، پاکیزه نمی‌شود و شخص آزمند همواره، در رنج به سر می‌برد» (طبری، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۱۷۲ / ثعالبی، همان).

۱-۱-۴. ترجیح در موضوع فضایل

گاه ترجیح روایت امام، در مقوله فضایل اهل بیت (ع) است؛ به عنوان نمونه، آلوسی در بحث اینکه حضرت فاطمه (س) افضل زنان جهان است، به حدیث امام باقر (ع) استناد می‌کند و می‌گوید: «ذَهَبَ أَبُو جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ هُوَ الْمَشْهُورُ عَنْ أئِمَّةِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَالَّذِي أَمِيلُ إِلَيْهِ أَنْ

فَاطِمَةَ الْبُتُولَ أَفْضَلَ النِّسَاءِ الْمَتَّقَاتِ وَالْمُتَأَخِّرَاتِ مِنْ حَيْثُ أَتَاهَا بَضْعُهُ رَسُولَ اللَّهِ...»: «ابوجعفر امام باقر (ع) اعتقاد بر این است که فاطمه بتول (س) افضل زنان متقدم و متأخر است، از لحاظ اینکه ایشان پاره تن رسول خدا (ص) است. و این نظریه از ائمه اهل بیت مشهور است و من نیز به آن تمایل دارم» (آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، صص ۱۵۵-۱۵۶). آلوسی پس از نقل اقوال مفسران، سخن امام را بر دیگران ترجیح می‌دهد.

۲-۱. ترجیح غیر صریح

در مواردی مفسر یا اندیشمند اهل سنت سخن امام را نقل می‌کند و آن را بر سایر اقوال ترجیح می‌دهد، اما از امام نام نمی‌برد. به عنوان نمونه:

«رَوَى عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ أَنَّهُ قَالَ فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران: ۳ / ۵۹) «إِنَّ مَعْنَاهُ: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ﴾ فِي الْخَلْقِ ﴿كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ﴾ مِنْ غَيْرِ أَبِي ﴿ثُمَّ قَالَ لَهُ﴾ يَعْنِي «لِعِيسَى» ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾ فَأَلْهَاءُ الْأُولَى وَهِيَ قَوْلُهُ: ﴿خَلَقَهُ﴾ عَائِدَةٌ إِلَى آدَمَ وَالْهَاءُ الثَّانِيَةُ فِي قَوْلِهِ: ﴿ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ عَائِدَةٌ إِلَى عِيسَى (ع)»: «از امام صادق (ع) در تفسیر آیه ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ﴾ سؤال شد. ایشان فرمودند: معنایش این است که مثل عیسی در خلق همچون مثل آدم است که هر دو از غیر پدر بوجود آمدند؛ پس به عیسی گفته شده «کُنْ فَيَكُونُ» پس «هاء» اول در «خلقه» به آدم برمی‌گردد و «هاء» دوم در «ثُمَّ قَالَ لَهُ» به عیسی برمی‌گردد» (سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷۷).

بغوی در تفسیر خود، این قول را برگزیده اما نامی از امام صادق (ع) نبرده است (بغوی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۹).

۲. بهره‌وری تأییدی

این بهره‌وری به دو شکل نمود می‌یابد: گاه، مفسر روایت امام را نقل و آن را به گونه‌های مختلف تأیید می‌کند و گاهی در تأیید سخن خود، به گفتار یا اعمال امام استناد می‌کند.

۲-۱. تأیید روایت امام

در این موارد، مفسر پس از نقل روایت امام، آن را تأیید می‌کند و بر درستی آن صحه می‌گذارد و در پاره‌ای موارد، ضمن تأیید، آن را توضیح می‌دهد. تأیید و توضیح روایت‌های

ائمّه معصومین توسط علماء اهل سنت، قسمت قابل توجهی از بهره‌وری روایات را به خود اختصاص می‌دهد که شایسته عنایت و توجه است؛ زیرا به ما می‌نمایاند که احادیث معصومین چه جایگاهی در اندیشه مفسرین اهل سنت دارد.

با بررسی‌های انجام شده، به این نتیجه می‌رسیم که بیشترین بهره‌وری از روایات اهل بیت (ع) توسط علمای اهل سنت در این قسم نمود یافته است.

آلوسی و طبری نقل کرده‌اند که امام علی (ع) ذیل آیه ﴿مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ﴾ (غافر: ۴۰ / ۷۸) فرمود: «بَعَثَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَشِيًّا نَبِيًّا، فَهُوَ الَّذِي لَمْ نَقْصُصْ»: «خداوند پیامبری حبشی را مبعوث نموده که از آن سخن نگفته‌ایم» (طبری، ۱۴۲۱، ج ۲۴، ص ۸۶ / آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۲۴، ص ۸۷). آلوسی در ادامه، می‌گوید: «هَلْ يَقُولُ بَابُ مَدِينَةِ الْعِلْمِ عَلِيُّ عَلِمَ لَمْ يُفْضَ عَلَيْهِ مِنْ تِلْكَ الْمَدِينَةِ حَاشَاءُ ثُمَّ حَاشَاءُ»: «آیا باب علم پیامبر چیزی را می‌گوید که این شهر علم - پیامبر (ص) - به او نگفته باشد؟ هرگز، هرگز!» (آلوسی، همانجا).
با این بیان، می‌توان گفت این نوع هم به گونه‌های مختلفی نمود یافته است.

۲-۱-۱. تأیید محتوایی

در این نوع، مفسر و اندیشمند، محتوای روایت امام را به گونه‌های مختلفی تأیید می‌کند.

الف: تأیید روایت امام با آیه قرآن

در این گونه موارد، مفسر - پس از نقل روایت امام - آن را با آیه قرآن تأیید می‌کند. به عنوان نمونه، ابن کثیر ذیل آیه ۱۵۴ سوره مبارکه بقره، از امام زین العابدین نقل می‌کند:
قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، زَيْنُ الْعَابِدِينَ: «إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ الصَّابِرُونَ لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ قَبْلَ الْحِسَابِ وَ قَالَ: فَتَقَوْمُ عُنُقٍ مِنَ النَّاسِ [وَفِي رِوَايَةٍ نَاسٌ مِنَ النَّاسِ] فَتَلْقَاهُمْ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: أَلَيْسَ يَا بَنِي آدَمَ؟ فَيَقُولُونَ إِلَى الْجَنَّةِ، فَيَقُولُونَ قَبْلَ الْحِسَابِ؟ قَالُوا نَعَمْ، قَالُوا: وَ مَنْ أَنتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الصَّابِرُونَ، قَالُوا: وَ مَا كَانَ صَبْرُكُمْ، قَالُوا: صَبْرُنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ صَبْرُنَا عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ حَتَّى تَوْفَانَا اللَّهُ، قَالُوا: أَأَنْتُمْ كَمَا قُلْتُمْ، اذْخُلُوا الْجَنَّةَ فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»: «علی بن حسین زین العابدین (ع) می‌گوید: «هرگاه اولین و آخرین مردم در روز قیامت جمع شوند، ندا دهنده‌ای می‌گوید: صابران کجایند تا بدون حساب وارد بهشت شوند؟ پس عده‌ای از مردم برمی‌خیزند و به راه می‌افتند؛ ملائکه از آنها می‌پرسند: به کجا؟ می‌گویند: به بهشت. ملائکه

می‌پرسند: بدون حساب؟ می‌گویند: بله؛ می‌پرسند: شما چه کسانی هستید؟ می‌گویند: ما صابران هستیم؛ می‌پرسند: صبر شما چیست؟ می‌گویند: بر طاعت خدا صبر نمودیم و نفس خود را از معصیت، بازداشتیم تا آنکه خداوند جان ما را گرفت، ملائکه می‌گویند: همانطور هستید که می‌گویید. پس، بدون حساب داخل بهشت شوید؛ چه خوب پاداشی برای عمل کنندگان است» (ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۳۴۹ و با تفاوت اندکی، قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۳۱۳).

ابن کثیر پس از نقل این حدیث می‌گوید: «شاهد بر صحّت این قول، سخن خدای تعالی است: ﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (الزمر: ۳۹ / ۱۰): خداوند صابران را بدون حساب مزد می‌دهد».

ب) تأیید روایت امام با روایت دیگران

در این قسم، مفسّر روایت امام را پس از نقل، با روایت دیگری از اهل بیت (ع)، صحابه و تابعان تأیید می‌کند و در پاره‌ای از موارد، علاوه بر این، خود نیز آن را توضیح می‌دهد. برای نمونه، اسفراینی در تفسیر خود - ضمن بیان روایتی از امام صادق (ع) در جامعیت «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (که خدای تعالی جمع کرده است معانی کتب مُنَزَّل همه در قرآن و جمله معانی در آیت اوّل) ضمن تأیید این سخن با روایتی از رسول خدا (ص) که فرمود: «أُوتِيَتْ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَأَخْتَصِرَ لِيَ الْكَلَامُ اخْتِصَارًا»، به توضیح آن می‌پردازد و می‌گوید: «آن که گوید امام جعفر بن محمد (ع) که جمله معانی این سورت موجود است اندر آیت اوّل از این سورت، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ از بهر آنکه هر که وی را بدانست به الهیّت، به حقیقت و صفات معبود بدانست و بر جمله صفات الهیّت آن است که مستحقّ عبادت باشد بر بندگان، و وی را بود که تکلیف کند و از ایشان طاعت خواهد، صفات عابد و معبود و چون طاعت اندر عبادت موجود است اندر این اسم و هر چه همی بیاید بندگان را اندر مصلحت دنیا و آخرت از نعمت و دفع نقمت، همه اندر زیر آن باشد که همی گوید: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ» که رحمن آن بود که اندر دنیا به نعمت بدارد و رحیم آن بود که اندر آخرت به نعمت بدارد، چنانکه یاد کردیم» (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸).

قرطبی ابتدا حدیثی از امام علی (ع) به این مضمون نقل می‌کند: روزی از حسد مردم، خدمت رسول خدا شکایت بردم؛ ایشان فرمودند: آیا راضی نیستی که از اولین چهار نفری

باشی که وارد بهشت می‌شود: من، تو، حسن و حسین و زنان ایمانی ما؟ ... (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۲۲) و سپس، از این سخن استفاده می‌کند که آیه **﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...﴾** (الشوری: ۴۲/۲۳) منسوخ نشده است و می‌گوید: همین بس که پیامبر (ص) فرمودند: «مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا»: «هر کس بر حب آل محمد (ص) بمیرد شهید مرده است». سپس می‌گوید: «زمخشری حدیث را به صورت طولانی بیان نموده است» و حدیث او را می‌آورد (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۲۲/زمخشری، ۱۳۵۴، ج ۴، صص ۲۲۱/فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، صص ۱۶۵-۱۶۶).

در برخی موارد، مفسر روایتی را از طریق یک امام نقل می‌کند و سپس، همان روایت را با حدیث امام دیگری تأیید می‌کند. به عنوان نمونه، شوکانی، قرطبی و دیگران از امام علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل نموده‌اند: «هر کس نفقه‌ای در راه خدا انفاق کند در حالی که در خانه ایستاده است، پس به ازای هر درهم در روز قیامت خداوند هفتصد درهم به او عطا می‌کند و هر کس با جانش در راه خدا جهاد کند و بخاطر خداوند، انفاق کند پس برای او به ازای هر درهم در روز قیامت هفتصد هزار درهم است و سپس این آیه را خواند: **﴿وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾** (البقره: ۲/۲۶۱): «و خداوند برای هر کس بخواهد چند برابر می‌کند» (شوکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲۹/مراغی، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۳۰). شوکانی پس از نقل حدیث می‌گوید: «این حدیث را ابن ماجه از طریق امام حسن مجتبی (ع) نیز نقل کرده است» (شوکانی، همانجا).

در پاره‌ای موارد، به نمونه دیگری برمی‌خوریم که مفسر پس از نقل روایتی از امام آن را با روایت رسول الله، صحابه و دیگران تأیید می‌کند. به عنوان نمونه، آلوسی ذیل آیه **﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾** می‌گوید: امامیه از ابی عبدالله، روایت کرده‌اند که «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ قَبْلَتْ صَلَاتِهِ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَبَدَّرَ مَا مَنَعَتْهُ قَبْلَتْ مِنْهُ»: «هر کس دوست دارد ببیند آیا نمازش قبول شده است یا نه، پس دقت کند که آیا او را از فحشاء و منکر، باز داشته یا خیر؛ پس به هر اندازه که او را باز داشته، از او قبول می‌شود». آلوسی پس از این حدیث، روایاتی از رسول الله، صحابه و تابعین در تأیید این مطلب، ذکر می‌کند (آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۱۶۴).

شوکانی هم پس از نقل روایتی که در آن، امام علی (ع) مقصود از «حیوة طیبه» را قناعت می‌داند، آن را با روایتی از رسول خدا تأیید می‌کند (ر.ک: شوکانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۴).

ج) تأیید روایت امام با ارائه نظر شخص مفسر

در این نوع، اندیشمند اهل سنت ابتدا روایت امام را نقل می‌کند و سپس، آن را با سخن خود تأیید می‌نماید. به عنوان نمونه، از علی (ع) روایت شده که پیامبر اکرم (ص) چون می‌خواست به نماز ایستد، می‌گفت: ﴿وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (الانعام: ۶ / ۷۹) ﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (الانعام: ۶ / ۱۶۲-۱۶۳).

آنگاه قرطبی می‌گوید: این، با فضیلت‌ترین تسبیح هنگام نماز است که از علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل شده است (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۸۰. نمونه‌های دیگر ر.ک. شوکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴ / قندوزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵ / مسلم، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۲ / قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۴۵ / عطار نیشابوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۸۵).

۲-۱-۲. تأیید سندی

در این قسم، اندیشمند اهل سنت پس از نقل روایت تفسیری اهل بیت (ع) در مورد سند آن اظهار نظر و آن را تأیید می‌کند. البته، گاهی این سند از امام از طریق پدران بزرگوارشان نقل می‌شود و گاهی اینگونه نیست؛ به عنوان نمونه، از علی - كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ - روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: ستاره‌های آسمان امان و حافظ اهل آسمان‌اند. هنگامی که ستاره‌ها بروند، اهل آسمان‌ها هلاک می‌شوند و اهل بیت، امان و نگاهدار اهل زمین هستند. زمانی که اهل بیت من نباشند، اهل زمین هم نابود می‌شوند (قندوزی حنفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱ / ابن حنبل، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۶۷۱ / جوینی، ۱۹۷۸، ج ۲، ص ۲۵۳). نیشابوری همین حدیث را از امام باقر (ع) از پدرشان، از امام حسین (ع)، از امام علی (ع) نیز نقل نموده و گفته: «صَحِيحُ الْأَسْنَادِ: «إِسْنَادُ أَنْ صَحِيحٌ اسْت» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۴۸).

علمای اهل سنت در برخورد با اینگونه روایات که سلسله سند آنها به معصومین از پدران بزرگوارشان ختم می‌شود، اظهارات جالب توجهی دارند؛ به عنوان مثال، ابونعیم اصفهانی پس از نقل حدیث «سلسله الذهب»، از امام رضا (ع)، می‌گوید: «هَذَا حَدِيثٌ ثَابِتٌ مَشْهُورٌ بِهَذَا الْإِسْنَادِ مِنْ رِوَايَةِ الطَّاهِرِينَ عَنْ آبَائِهِمُ الطَّيِّبِينَ وَكَانَ بَعْضُ سَلَفِنَا مِنَ الْمُحَدِّثِينَ إِذَا رَوِيَ هَذَا الْإِسْنَادُ قَالَ: لَوْ قُرِيَ هَذَا الْإِسْنَادُ عَلَيَّ مَجْتُونٍ لَأَفَاقَ: «این حدیث با این اسناد روایات طاهریین از پدران پاک خود - ثابت و مشهور است؛ و برخی از محدثان سلف ما وقتی این سند را روایت می‌کرد

می‌گفت: اگر این سند را بر مجنون بخوانی، حالش خوب می‌شود» (اصفهانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۹۲ و ر.ک. پی‌نوشت شماره ۳).

همچنین قرطبی ضمن نقل حدیث امام علی (ع) در شرایط «ذبیحه» (قربانی) می‌گوید: این حدیث، حسن و صحیح است (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۱۱۰).

با نگاه به تفاسیر اهل سنت به گونه‌ای دیگر برمی‌خوریم که اشخاصی غیر از ائمه در سند حدیثی که به امام ختم می‌شود وجود دارند و مفسر - پس از نقل روایت - در مورد آن اظهار نظر می‌کند که به لحاظ کثرت به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم.

شوکانی و دیگران می‌گویند: از علی (ع) در مورد واژه‌های «الذاریات»، «الحاملات»، «الجاریات» و «المقسّمات» (الذاریات: ۵۱ / ۱-۴)، سؤال شد حضرت فرمودند: «ذاریات: بادها هستند و حاملات: ابرهایی که آب را حمل می‌کنند و جاریات: کشتی‌ها و مقسّمات: ملائکه هستند».

آنگاه می‌افزایند این حدیث را عبدالرزاق، قربانی، سعد بن منصور، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی‌حاتم، ابن انباری، دارقطنی، حاکم (و صحیح دانسته است) و بیهقی در شعب الایمان، از طریق علی (ع) نقل نموده‌اند (شوکانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۳ / طبری، ۱۴۲۱، ج ۲۶، ص ۱۸۷ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۶۱۴ / بخاری، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۴۸ / قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۲۹ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۶، ص ۴۱۳ / ابن عطیه، ۱۹۹۲، ج ۵، ص ۱۷۲).

۲-۲. تأیید روایت پیامبر (ص) با روایت امام

در پاره‌ای موارد، مشاهده می‌شود که مفسر ابتدا، روایتی از رسول خدا (ص) نقل می‌کند و سپس آن را با یکی از روایات اهل بیت (ع)، تأیید می‌کند؛ به عنوان نمونه:

آلوسی ابتدا، روایتی از رسول خدا ذیل آیه (الزخرف: ۴۳ / ۷۱) نقل کرده است که «حُبِّبَ إِلَى الطَّيِّبِ وَ النَّسَاءِ وَ جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»: من (از دنیای شما) بوی خوش و زن را دوست دارم؛ اما، نور چشمم در نماز است. سپس شعری از قیس بن ملاح می‌آورد که مضمون آن این است که طولانی بودن توقف بر صراط و ... ناشی از لذت بردن چشم است و سپس می‌گوید: روایت امام جعفر صادق موافق این مطلب است آنجا که فرمود:

«چقدر فرق است میان آنچه نفس می‌خواهد (شهوت) و آن چه چشم را به لذت وا می‌دارد، چون تمام آنچه در بهشت است - از نعمت‌ها و شهوات - در کنار «تلذذ چشمها» همچون

انگشتی در برابر دریاست؛ زیرا شهوات بهشت دارای حدّ و نهایت هستند، چون مخلوقند، و چشمها لذت نمی‌برند مگر با نگاه به باقی - که خداوند عزّ و جلّ است - که حدّ و صفت و نهایتی ندارد» (آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۲۵، ص ۶۹).

۲-۳. تأیید کلام تفسیری خود با روایت امام

در پاره‌ای موارد مفسّر نظری را ارائه می‌دهد و در تأیید مطلب خود، به عمل یا سخن امام استدلال می‌کند. و به عبارت دیگر، یا روایتی را از ائمه اطهار نقل می‌کند که مؤید سخن اوست و یا عمل امام را شاهد بر صحّت سخن خود می‌گیرد.

نکته قابل توجه این است که غالب مواردی که مفسّر به عمل امام (ع) استناد می‌نماید از مباحث فقهی (آیات الاحکام) است؛ ولی استدلال به سخن امام (ع) - تا آنجا که نگارنده تتبع نموده است - در موارد غیر فقهی هم تبلور می‌یابد که به نمونه‌هایی از هر کدام اشاره می‌کنیم.

۲-۳-۱. استدلال به عمل امام

استدلال به عمل امام را می‌توان در موارد متعدّد در مباحث فقهی مشاهده کرد که به چند نمونه اشاره می‌شود.

الف: جهر ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«فخر رازی» - ضمن سورة فاتحه - در جهر و اخفات ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ جهر را اختیار کرده و چند دلیل بر آن اقامه نموده است؛ از آن جمله، می‌گوید: «السَّابِعُ أَنَّ الدَّلَائِلَ الْعَقْلِيَّةَ مُوَافِقَةٌ لَنَا وَ عَمَلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَعَنَا وَ مَنْ اتَّخَذَ عَلِيًّا إِمَامًا لِذِينِهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»: «دلیل هفتم آن است که دلایل عقلی موافق و عمل علی بن ابی‌طالب مؤید ماست، و هر کس در دینش علی (ع) را امام خویش قرار دهد، به دست آویزی استوار و محکم چنگ زده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۰۷).

شهرستانی می‌گوید: «در اخبار صحیح از اهل بیت، وارد شده که رسول خدا (ص) و ائمه از فرزندان او (ع) «بسم الله» را در آغاز سورة فاتحه و اوّل سوره‌های دیگر در هر رکعت از نمازهای جهری، به جهر و در سایر نمازها به اخفات می‌خوانند و می‌گفتند: این مورد اتفاق فرزندان فاطمه (س) است» (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۹).

شهرستانی در جای دیگری نقل می‌کند که علی (ع) در افتتاح هر نماز «بسم الله» را به جههر می‌خواند حتی در نماز ظهر و عصر (شهرستانی، همان، ص ۲۰۸) و این حدیث را صحیح‌تر می‌داند؛ به استناد حدیثی که از امام صادق (ع) نقل می‌کند که در جههر به «بسم الله» تقیّه‌ای نیست و باید بلند گفته شود (همان، ص ۲۱۰).

ب: وجوب وضو برای هر نماز

قرطبی یکی از مفسرین و فقهای مالکی گاه از امام علی و امام صادق (ع) به عنوان صحابی یا تابعی و فقیهی مطلع از حکم خدا و سیرت رسول خدا، حدیث نقل نموده و به آن استدلال می‌کند. وی در بحث وجوب وضو برای هر نماز و عدم نسخ آن، این قول را به ابومحمد دارمی در مسندش نسبت می‌دهد که گفته است علی (ع) برای هر نماز وضو می‌گرفت، قرطبی این سخن را می‌پذیرد و می‌گوید: در این صورت آیه نسخ نشده است (قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۸۱/ ابن عطیه، ۱۹۹۲، ج ۲، ص ۱۶۰).

ج: توبه محارب

در این که با توبه محارب، جان و مال او در امان است، برخی از مفسران اهل سنت به عمل امام علی (ع) با یکی از محاربان استدلال نموده‌اند. «حارث بن بدر غرانی «محارب» بود، اما قبل از دستگیری، توبه نمود. امام علی هم نامه‌ای مبسوط مبنی بر در امان بودن جان و اموالش نوشت» (قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۵۵ و ۲۲۱/ ابن عطیه، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۱۸۶/ بغوی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۷/ آلوسی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۲۱/ شوکانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۴).

د: خطبة النساء

«خطبه» یعنی به تعریض سخن گفتن، صحبت در این است که آیا می‌شود وقتی زن در عده طلاق است بحث ازدواج را به طور ضمنی - و با تعریض - به او بیان کرد؟ غالب مفسران می‌گویند: این کار جایز است که فرد خودش را مدح کند و به گونه تعریض سخن گوید و به عمل امام باقر (ع) استدلال می‌کنند. امام - خطاب به زنی که در عده طلاق بود - ضمن توصیف خویش، بیان می‌دارند که از خاندان نبوت هستند و بدین وسیله و به صورت غیر صریح به وی پیشنهاد ازدواج می‌دهند (طبری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۵۱۹/ قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸۸/ ابن عطیه، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۳۱۵/ بغوی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۶۰/ زحیلی، ۱۹۹۱، ج ۲، ص ۳۷۸).

۲-۳-۲. استدلال به سخن امام

در اینگونه روایات، مفسرین اهل سنت به سخن امام در جهت تأیید نظر خود استدلال می‌کنند؛ به عنوان نمونه، قرطبی معتقد است واژه «عذاب» گاهی به معنی «حبس» است مثل: «وَ لِيُشْهَدُوا مِنَّا عَذَابَهَا» که در این جا، به معنی «حبس» است و به کلام حضرت علی (ع) استشهاد می‌کند که ایشان فرمود: «أَعْدِبُوا نِسَاءَكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ أَيُّ إِحْبِسُوهُنَّ» زنان را نگذارید خارج شوند و آنها را حبس کنید و نیز در جای دیگری فرمودند: «أَعْدِبُوا مِنَ ذِكْرِ النِّسَاءِ [أَنْفُسَكُمْ] فَإِنَّ ذَلِكَ يَكْسِرُكُمْ عَنِ الْعَزْوِ»: زنان را یاد نکنید (یاد آنها را حبس کنید)؛ زیرا آن، شما را از جهاد باز می‌دارد (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۹۲).

شهرستانی را عقیده بر این است که تمام قصص قرآن، ذکر دو فرقه مؤمن و کافر، نیکان و بدان است و در تأیید آن، به سخن امام صادق (ع) استدلال می‌کند که فرمود: «الْقُرْآنُ نِصْفُهُ فِينَا وَ نِصْفُهُ فِي عَدُوِّنَا وَ الَّذِي فِي عَدُوِّنَا فَهُوَ فِينَا»: قرآن نصفش در مورد ماست و نصف دیگر آن درباره دشمنان ماست و آنچه درباره دشمنان ماست، در حقیقت درباره ماست» (شهرستانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۷).

قرطبی در این خصوص که بعضی آیات قرآن، مطلق و برخی مقید است، به این سخن استدلال می‌کند که از امام صادق (ع) در فلسفه و علت تکرار قصص قرآن سؤال شد، ایشان فرمودند: «عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ كُلَّ النَّاسِ لَا يَحْفَظُ الْقُرْآنَ فَلَوْ لَمْ تَكُنِ الْقِصَّةُ مُكَرَّرَةً لَجَازَ أَنْ تَكُونَ عِنْدَ بَعْضِ النَّاسِ وَ لَا تَكُونَ عِنْدَ بَعْضِ فَكُرِّرَتْ لِتَكُونَ عِنْدَ مَنْ حَفِظَ الْبَعْضَ»: «خداوند می‌دانست که تمام مردم نمی‌توانند قرآن را حفظ کنند و اگر قصه‌های قرآن تکرار نمی‌شد عده‌ای آنها را می‌دانستند، و عده‌ای هم نمی‌دانستند، پس خداوند آنها را تکرار نمود تا هر شخصی بتواند قسمتی را به خاطر بسپارد» (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۶۸). (برای مشاهده نمونه‌هایی دیگر از این نوع، ر.ک: قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۵ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۴۵ / شوکانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۰ / آلوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۳).

۳. بهره‌وری انتقادی

در این گونه موارد مفسر پس از نقل روایت امام به نقد سندی یا محتوایی آن پرداخته، سعی در انتقاد از آن دارد. این نقد گاهی با تعصب آمیخته است - بخاطر مسائل و اعتقادات مذهبی - و گاهی هم اینگونه نیست که پرداختن به آن از حوصله این مجیزه خارج است.

الف: نقد سندی

به عنوان نمونه: در تفسیر مظهري، ذیل سوره کوثر، روایتی از امام باقر (ع) نقل شده: «كَانَتْ الْفُرَيْشُ تَقُولُ إِذَا مَاتَ ذَكَوْرُ الرَّجُلِ بَتَرَ فُلَانٌ فَلَمَّا مَاتَ وَكَلَّدُ النَّبِيُّ (ص) قَالَ الْعَاصُ بْنُ وَائِلٍ بَتَرَ مُحَمَّدٌ فَتَزَلَّتْ ﴿إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ (الکوثر: ۱/۱۰۸): «قریش چون فرزندان ذکور شخصی فوت می‌کرد - و فرزند ذکور دیگری نداشت - می‌گفتند «بَتَرَ فُلَانٌ»: فلانی مقطوع النسل شد و چون فرزند رسول خدا فوت کرد، عاص بن وائل گفت: محمد ابتر شده است که این سوره نازل شد» (مظهري، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳۶).

مظهري پس از این نقل، حدیث را به خاطر وجود «جابر جعفی» در سلسله سند آن - که فردی شیعی است - ضعیف می‌داند ولی این شأن نزول را روایات بسیاری در مصادر شیعه و اهل سنت تأیید می‌کنند (رک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۵۲۲/ ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۷، ص ۳۹۴/ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۲۴۱/ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۱۲۴).
در جای دیگر آلوسی پس از نقل روایتی از امام صادق (ع) می‌گوید: این نیاز به نقل صحیح از صادق (ع) دارد (آلوسی، بی‌تا، ج ۲۹، ص ۱۰۴).

ب: نقد محتوایی

در پاره‌ای موارد، مفسر پس از نقل حدیثی از امام باقر (ع) با الفاظی چون بعید به نظر می‌رسد، شاید صحیح نباشد و اگر صحیح باشد... در محتوای حدیث نقل شده از امام بحث می‌کند. به عنوان نمونه، آلوسی پس از نقل روایت از امام باقر و امام صادق (ع) به این مضمون که خدا قبل از این آدم هزار هزار آدم داشته «قَدْ أَنْقَضَى قَبْلَ آدَمَ الَّذِي هُوَ أَبُوْنَا أَلْفَ أَلْفِ آدَمٍ...» و یا هزاران عالم و جهان غیر از این جهان دارد (آلوسی، بی‌تا، ج ۴، صص ۱۸۰-۱۸۱) می‌گوید اگر این روایت و امثال آن صحیح باشد حمل بر عالم مثال می‌شود نه عالم ظاهر که ما در آن هستیم (آلوسی، همان).

در جای دیگر، شوکانی پس از نقل روایتی از امام باقر (ع) مبنی بر اینکه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سرآغاز هر کتابی است، گرچه این حدیث را همراه روایت‌های دیگر می‌آورد، اما می‌گوید: پس از بحث سندی، متون این احادیث نیاز به بحث دارد؛ ولی هیچ‌گونه بحثی نمی‌کند (شوکانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲).

۴. بهره‌وری تضعیفی

در مواردی مفسّر یا اندیشمند اهل سنت پس از نقل روایت امام، آن را رد یا تضعیف می‌کند. این اتفاق معمولاً در مواردی است که روایت امام با روایت دیگری در تعارض باشد. به عنوان نمونه، آلوسی دربارهٔ «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» (العادیات: ۱/۱۰۰) از سدی و محمد بن کعب و عبید بن عمیر روایت می‌کند که آنها، «العادیات، را شتر حاجیان دانسته‌اند که از عرفه به مزدلفه و از مزدلفه به منی حرکت می‌کنند و آن را به علی (کرم الله وجهه) نسبت داده‌اند. آنگاه روایتی از ابن عباس با این مضمون می‌آورد: «فردی از من دربارهٔ آیهٔ «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» سؤال کرد. گفتم مراد اسب است هنگامی که در راه خدا باشد. پس سواران طعام مهیا کنند و آتش به پا کنند. پس از جانب من به سوی علی بن ابی طالب (ع) منصرف شد و از ایشان پرسید، علی (ع) گفت: آیا از کس دیگری هم قبل از من سؤال نموده‌ای؟ گفتم بله، از ابن عباس پرسیدم و وی گفت: مراد اسب‌ها هستند. امام گفت: ابن عباس را نزد من بیاور. چون من (ابن عباس) نزد امام علی (ع) رسیدم امام گفت: چرا به چیزی که علم نداری فتوا می‌دهی؟ به خدا قسم، اولین غزوه در اسلام غزوه بدر بود و ما فقط دو اسب داشتیم: اسبی از آن زبیر و اسبی متعلق به مقداد؛ پس چگونه مراد از «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا» اسب می‌تواند باشد؟ بلکه مراد از آن، شترها هستند هنگامی که از عرفه به مزدلفه و از مزدلفه به منی حرکت می‌کنند. ابن عباس می‌گوید: از قول خودم به سخن علی (ع) رجوع کردم (آلوسی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۴۳/قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲۰، ص ۱۵۵). سپس آلوسی بر بیان امام اشکالاتی می‌گیرد، از جمله:

الف: ممکن است «ال» در «العادیات» مفید جنس باشد یعنی تمام اسبهایی که در راه خدا جهاد می‌کنند.

ب: اگر «ال» عهد باشد معهود بنابر صدر سوره، سرّیه‌ای است که رسول خدا (ص) منذر بن عمرو انصاری را به فرماندهی آن فرستاد، اما یک ماه خبری نشد، منافقان گفتند: کشته شده، این سوره در اخبار از صحت و سلامت او و یارانش نازل شد.

ج: شاید مراد علی (کرم الله وجهه) این باشد که غزوه بدر از افضل غزوات اسلام است؛ ولی این پاسخ، ضعف‌های فراوانی دارد.

او در نهایت، می‌گوید: «نظر درست‌تر آن است که این روایت صحیح نمی‌باشد و تصحیح حاکم نسبت به این خبر هم نزد اهل حدیث محکوم و غیر معتبر است؛ زیرا در تصحیحاتش بسیار اهل تساهل است» (آلوسی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۴۴).

۵. بهره‌وری مذهبی

مقصود، مواردی است که در آنها اندیشمند اهل سنت از روایت امام، استفاده مذهبی می‌کند. این نوع را اگرچه می‌توان ذیل عنوان «بهره‌وری تأییدی» هم جای داد، اما به لحاظ اهمیّت، به صورت مستقل، مورد بحث قرار می‌گیرد و مواردی از آن طرح می‌شود.

الف: پذیرش به صورت عام (تعمیم خاص)

در پاره‌ای موارد امام مصداق آیه‌ای را خاص می‌داند؛ اما مفسّر، آن را به صورت عام قبول می‌کند. به عنوان نمونه، آلوسی ذیل آیه ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ (الفاطر: ۳۵ / ۳۲)، روایتی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که مراد از عباد برگزیده در این آیه اهل بیت و یا ائمه اهل بیت است؛ ولی آلوسی می‌گوید: «حمل آیه بر تمام علمای امت بهتر از این تخصیص است و علمای اهل بیت به طریق اولی در آن داخل هستند؛ چون قرآن در خانه آنها نازل شده و آنها [قرآن و عترت] از هم جدا نمی‌شوند تا روز حساب در کنار حوض - بر رسول خدا- وارد شوند» (آلوسی، بی تا، ج ۲۲، ص ۹۵).

ب: برداشت نادرست از روایت امام

در اینگونه موارد مفسّر چیزی را از سخن امام برداشت می‌کند که مورد نظر ایشان نبوده است؛ به عنوان مثال: ابن کثیر ذیل آیه ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الانبیاء: ۲۱ / ۷) از امام باقر روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ»: «اهل الذکر» ما هستیم. ابن کثیر می‌گوید: مراد ایشان این است که امت اسلام اهل ذکر هستند و این صحیح است؛ زیرا این امت از تمام امت‌ها اعلم هستند و علمای اهل بیت رسول الله (علیهم السلام) هرگاه بر سنت مستقیم رسول خدا باشند از بهترین علماء هستند، مثل: علی، ابن عباس، فرزندان علی حسن و حسین، محمد بن حنیفه، علی بن حسین زین العابدین، علی بن عبدالله بن عباس، ابی جعفر الباقر و جعفر الصادق و پسرش و امثال، شبیه و نظیر آنها از کسانی که به ریسمان محکم الهی و راه مستقیم او چنگ زده، حق هر صاحب حقی را می‌شناسند و در جایگاهی که خدا و رسولش به آنها اعطا کرده و قلبهای مؤمنین آنجا جمع می‌شود، فرود می‌آیند» (ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۴، ص ۴۹۲).

در این بیان، ابن کثیر سخن امام را آنگونه که مد نظر ایشان بوده نقل نمی‌کند؛ زیرا دیگران از امام باقر و سایر اهل بیت ذیل همین آیه روایت کرده‌اند که مقصود ما اهل بیت هستیم: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ قَالَ عَلِيُّ (ع): «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِي عَنَّا اللَّهُ جَلَّ وَعَلَّا فِي كِتَابِهِ»: «از امام باقر روایت شده که چون این آیه نازل شد، علی (ع) گفت: مقصود از اهل ذکر در کتاب خداوند ما هستیم» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۳۷) و در روایت دیگری، امام باقر (ع) می‌فرماید: اهل ذکر عترت رسول خدا هستند (همان، ص ۳۳۶).

این نشان می‌دهد که ابن کثیر برداشت درستی از کلام امام نداشته است.

ج: نقل حدیث موضوع از امام

برخی از علمای اهل سنت از امام باقر (ع)، ذیل آیه ولایت (المائدة / ۵۵) روایت کرده‌اند که از ایشان سؤال شد که آیا منظور از «کسانی که ایمان آورده، نماز به پا می‌دارند و زکات - در حال رکوع - می‌پردازند» علی (ع) است، آن حضرت فرمود: علی (ع) از جمله ایشان است (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۰۹ / نحاس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۲۵ / ابن کثیر، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۵۹۷ / مظهری، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۶۳ / آلوسی، بی تا، ج ۶، ص ۱۶۸ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۰۶).

این روایت، ساختگی و دروغین است؛ زیرا بررسی ظاهر و شأن نزول آیه تعمیم یاد شده را نفی می‌کند و بروشنی، ظهور در مصداق خاص دارد: (ر.ک: حکیم باشی، ۱۳۷۴، صص ۷۴-۱۲۴ / شرف الدین، ۱۴۱۴، ص ۱۵۷ / ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۲ / امینی، ۱۳۶۶، ج ۳، صص ۱۵۶-۱۶۲ / طبرسی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۸). راویان روایت مذکور، تماماً از اهل سنت‌اند و هیچ کس از راویان و محدثان شیعی، آن را روایت نکرده‌اند (ر.ک: حکیم باشی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳).

د: نقل روایت در تأیید خلفاء

در این مورد مفسر در پی آن است تا با روایت امام، عدم مخالفت ایشان را با خلفا بیان کند. در تفسیر قرطبی روایت شده که شخصی نظر امام سجّاد (ع) را در مورد عثمان پرسید. امام فرمود: آیا اهل این آیه هستی: **وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ** (الحشر: ۹ / ۵۹) گفت: خیر، امام فرمود: تو از اهل این آیه هستی **لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ...** (الحشر: ۸ / ۵۹) گفت: خیر، امام فرمود: به خدا قسم، اگر از اهل آیه سوم نباشی، از اسلام

خارج هستی، وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ... (الحشر: ۱۰/۵۹) (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۳۱). هدف قرطبی از نقل این روایت آن است که از استدلال امام به این آیه برداشت کند که امام (ع) از طرف خواست که از عثمان بدگویی نکند؛ بلکه از او که «سابق در ایمان» است، بخوبی یاد کند.

مظهري هم در مقام دفاع از خلفا روایتی از امام باقر (ع) نقل می‌کند و سپس می‌افزاید در صحیفه کامله از دعا‌های امام علی بن الحسین (ع)، وارد شده که ایشان بر اصحاب محمد (ص) سلام و درود فرستاد. «اللَّهُمَّ وَصَّ عَلًا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا النَّصِيحَةَ...» (مظهري، ۱۴۲۵، ج ۹، صص ۲۳۴-۲۳۵).

نمونه دیگر در تفسیر الدر المنثور از امام باقر (ع) روایت شده که به ایشان گفتند، علی بن الحسین آیه وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ (الحجر: ۱۵/۴۷) را درباره ابوبکر، عمر و علی می‌دانند؛ امام گفت: بله و آن کینه جاهلیت بود (سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۸۵).

البته، گاه، شرایط حاکم بر جامعه و خفقان موجود ایجاب می‌کرد که امام سخنان دو پهلو بگوید یا در ظاهر خلفا را تأیید نماید که شیعه اینگونه روایات را حمل بر تقیه می‌کند. امام سجاد (ع) در سختی این روزگار، می‌گوید: «أَصْبَحْنَا فِي قَوْمِنَا بِمَنْزِلَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ إِذْ كَانُوا يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ وَأَصْبَحَ شَيْخُنَا وَ سَيِّدُنَا يُتَّقَرَّبُ إِلَىٰ عَدُوِّنَا بِشْتَمِهِ أَوْ سَبِّهِ عَلَى الْمَنَابِرِ...» (ابن سعد، ۱۳۲۸، ج ۵، صص ۲۱۹-۲۲۰ / خوارزمی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۱ / سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۹۸): روزگار ما امروز همچون دوران بنی اسرائیل در میان آل فرعون است؛ زمانی که پسران آنها را ذبح می‌کردند و زنان آنها را زنده نگه می‌داشتند، سید و سرور ما [علی - علیه السلام] به هدف تقرب به دشمنان ما بر منابر، لعن می‌گویند.

۶. بهره‌وری انکاری (انکار نقل نادرست)

در اینگونه موارد، مفسر پس از بیان روایتی منسوب به امام، در مقام دفاع از ساحت امام یا قرآن برآمده و انتساب آن را صحیح ندانسته و انکار می‌کند، این قسم را می‌توان دفاع در مقابل نقل نادرست نیز نام نهاد، به عنوان نمونه، آلوسی در قرائت ... طَلْعٌ نَضِيدٌ (ق: ۱۰/۵۰) می‌گوید: «انباری و ابن جریر از قیس بن عباد نقل کرده‌اند که می‌گوید: بر امام علی (ع) وَطَلْعٍ مَنْضُودٍ (الواقعه: ۲۹/۵۶) را خواندم؛ امام گفت: «مَا بَالُ الطَّلْحِ؟ أَمَا تَقْرَأُ وَ طَلْعٌ، ثُمَّ قَرَأَ

قَوْلُهُ تَعَالَى لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ [ق: ۱۰] فَقِيلَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْحُهَا مِنَ الْمُصْحَفِ؟ فَقَالَ: لَا يُهَاجُ الْقُرْآنَ الْيَوْمَ: چگونه است که «طلح» می خوانید، آیا «طلح» نمی خوانید؟ پس امام آیه لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ را قرائت کرد. به ایشان گفته شد: ای امیرالمؤمنین، آن را در مصحف بنویسیم؟ امام گفت: خیر.

آلوسی پس از نقل این خبر می گوید: این روایت غیر صحیح است، چنانکه طیبی گفته است. چگونه امیرالمؤمنین تحریف کتاب خدا را باقی می گذارد و با آن برخورد نمی کند، درحالی که بین مردم متداول بود؟ یا چگونه گمان می شود که ناقلان، روات و کتّاب قرآن از قبل، عمداً به تحریف دست یازیدند یا از آن غافل بودند؟ خداوند متکفل حفظ این قرآن است و این بهتانی عظیم است (آلوسی، بی تا، ج ۲۷، ص ۴).

در سخنی دیگر، آلوسی پس از نقل روایتی از «هشام بن عبدالملک» و اینکه دروغی به امام علی (ع) نسبت می دهد می گوید: «از فردی اموی چون او، افتراء بر امیرالمؤمنین علی (کرم الله وجهه) بعید نیست» (آلوسی، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۱۸).

۷. بهره‌وری نقلی

در موارد زیادی اندیشمندان اهل سنت به نقل روایات اهل بیت (ع) اکتفا نموده، هیچ گونه اظهار نظری نمی کنند. این شیوه در تفاسیر روایی اهل سنت بیشتر مشاهده می شود. باید دانست کارایی اینگونه روایات - به فرض صحت سند - بیشتر نقش آموزشی و تربیتی است و بررسی دقیق روش‌شناسانه آن، راه درست تفسیر را به مفسر نشان می دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۹۵/ معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۱). از این رو، با تأمل در اینگونه روایات، روش‌های تفسیری متفاوتی را می توان در کلام عترت مشاهده کرد (ر.ک: خاکپور، ۱۳۸۷، صص ۲۱-۴۱) که به نمونه‌هایی اشاره می شود:

الف: از امام علی (ع) ذیل آیه **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (آل عمران: ۱۹/۳) روایت شده که ایشان فرمود: «اسلام تسلیم است و تسلیم یقین و یقین تصدیق و تصدیق اقرار و اقرار اداء و اداء عمل است» (مراغی، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۱۲۰/ آلوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۶) در این بیان امام به شیوه بیان توصیفی، «اسلام» را تبیین می کنند.

گاه تفسیر امام از قسم بیان مصداق است، آنچنان که در ذیل آیه **قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا** (الکهف: ۱۰۳/۱۸) از امام علی (ع)، چند روایت نقل شده که مصداق آیه

را فاجران قریش و خوارج معرفی نموده‌اند (ر.ک: شوکانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۴ / سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۴۶۵ / ثوری، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۱۷۹ / ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۴۵ / طبری، ۱۴۲۹، ج ۱۶، ص ۳۴).

ب: از امام صادق (ع) ذیل آیه *وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ* (النجم: / -) روایت شده که ایشان فرمودند «*النَّجْمُ: يَعْنِي مُحَمَّدًا وَ إِذَا هَوَىٰ، إِذَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ*»: «نجم یعنی محمد و «اذا هوی» یعنی هنگامی که در شب معراج از آسمان فرود آمد» (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۸۳ / مظهری، ۱۴۲۵، ج ۹، ص ۷۶ / بغوی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۲۳).

نتیجه‌گیری

با تتبع در مصادر تفسیری و سخنان اندیشمندان اهل سنت، نمودهای بهره‌وری مختلفی از روایات تفسیری اهل بیت (ع) را مشاهده می‌کنیم که هر کدام جنبه‌ای خاص را به خود اختصاص داده است. نمود ترجیحی که بیشتر در دفاع از حریم عصمت انبیاء (ع) تبلور می‌یابد، بهره‌وری تأییدی است که گاهی اوقات مفسر کلام امام را به عنوان تأیید سخن خود می‌آورد و زمانی روایت امام را به لحاظ سندی و یا محتوایی تأیید می‌کند که این تأیید ممکن است همراه با کلام سایر اهل بیت، با قرآن و یا سخن خود مفسر باشد؛ بهره‌وری انتقادی: در این مورد اندیشمند اهل سنت به نقد سندی یا محتوایی روایت نقل شده از امام می‌پردازد، بهره‌وری تضعیفی: این مورد در جایی است که روایت امام با حدیث دیگری در تعارض است و مفسر اهل سنت روایت دیگری را بر حدیث امام ترجیح می‌دهد. بهره‌وری انکاری: روایت امام انکار یا رد می‌شود؛ بهره‌وری نقلی: اندیشمندان اهل سنت در موارد بسیاری، فقط به نقل روایت از ائمه اطهار بدون هیچگونه اظهار نظری، بسنده می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

. در مورد حجّیت قول و دلایل آن از دیدگاه اهل سنت، ر.ک. ابن عسقلانی، ج ، ص / ابوزهره، ص / صالح، ص / العک، بی ص / ابن ج ، ص / عبدالرزاق، بی‌تا، ج ، ص / ابو اِزی، ج ، ص - / ذهبی، ج ، ص / ابن کثیر دمشقی، ج ، ص / حاکم بشابوری، ج ، ص / ج ، ص / شاطبی، بی‌تا، ج ، ص).

. در مورد حجّیت تفسیری که از رسیده در صورتی که پیامبر اکرم (ص) و اصحاب در میان ملامای اهل سنت اختلاف وجود دارد؛ اما اگر رسول الله برسد، از نظر ایشان حجّت است (ر.ک. زرکشی، بی‌تا، ج ، ص / ذهبی، ج ، ص / رشیدرضا، بی‌تا، ج ، ص / معارف، ص / زرقانی، ج ، ص / یزدی مبارکه، - / ج ، -).

. ظاهراً این کلام اشاره احمد و ابی اِزی دارد، زیرا ابن جوزی از این کلام « قرأت هذا الاسناد المجنون بریء » : این منسوب این دو فرد است (ابن جوزی، ج ، ص / ابن حجر هیتمی، ص / ابو اصفهانی، ج ، ص / فدادی، ج ، ص برای مشاهده ی :یگری از این نوع ر.ک. احمد حنبل، بی‌تا، ج ، ص و ج و (از امام از پدران خود)/ رمذی، ج ، ص / طبرانی، ج ، ص و ج ، ص / ابن مغازلی، ص).

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- . ابن ابی رازی، ابو محمد عبدالرحمن؛ *تفسیر القرآن العظیم* بیروت: دارالمعرفه ق.
- . ابن تیمیه، احمد دالحلیم؛ *مقدمه فی اصول التفسیر* : عرفان زر زور، بیروت: دارالقرآن الکریم، ق.
- . ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن محمد؛ *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم* : محمد عبدالقادر بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- . ابن عسقلانی، احمد؛ *الاصابة فی تمیز الصحابة* بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- . ابن حجر احمد *الصواعق المحرقة*: بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- . ابن حنبل، احمد؛ *الفضائل* : وصی الله محمد عباس، بیروت: الرسالة، م.
- . *مسند* : احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحديث ق.
- . *مسند* : چاپ میمنیه، بی .
- . ابن محمد؛ *الطبقات لکبری* بیروت: دارالطباعه والنشر، ق.
- . ابن شهر آشوب، محمد مناقب آل ابی طالب : علمیه، بی .
- . ابن عطیة، عبدالحق *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیة، م.
- . *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز* : عبدالسلام عبد الشافی محمد، بیروت، ق.
- . ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمرو *تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دارالمعرفة، م.
- . ابن مغازی محمد؛ *مناقب الامام علی بن ابی طالب* : محمد هبودی، بیروت: دارالاضواء، ق.
- . ابو حاتم رازی، محمد عبدالرحمن؛ *المجرح و التمدیل* بیروت: داراحیاء التراث العربی، ق.
- . ابو زهره، محمد؛ *المعزة لکبری للقرآن* بیروت: دارالکتب العلمیة م.
- . ابو اصفهانی، احمد عبدالله؛ *تاریخ اصهبان* : سید نسروی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- . *حلیة الاولیاء*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ق.
- . اسفراینی، عمادالدین شاهفور بن طاهر *تفسیر تاج التراجم* تهران: انتشارات .
- . یزدی مبارکه، کامران؛ «نگاهی به تاریخچه و روش تفسیر روایی قرآن» مجله الهیات و حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوّم، شماره دوّم ش.
- . امینی، عبدالحسین؛ *الغدیر* تهران: دارالکتب الاسلامیة، ش.
- . آلوسی، شهاب الدین محمد؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم* بیروت: داراحیاء التراث العربی، ق.
- . بخاری، محمد اسماعیل؛ *الجامع الصحیح*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ق.
- . بغوی، ابو محمد الحسین مسعود الفراء؛ *معالم التنزیل*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.

- ترمذی، محمد سنن (المجامع الصحيح): احمد محمد شاکر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، م.
- تعالی، ابوزید عبدالرحمن محمد مخلوف؛ جواهر الحسان بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- نوری، ابوعبدالله سفیان مسروق؛ تفسیر نوری بیروت: دارالکتب العلمیة، م.
- ینی، ابراهیم محمد؛ فرائد السمطین : محمد محمودی، بیروت: محمودی، م.
- حاکم یشابوری، محمد بن عبدالله معرفة علوم الحديث: کوشش: المكتبة العلمیة، ق.
- المستدرک علی الصحیحین : عبدالرحمن المرعشی، بیروت: دارالمعرفة، ق.
- حسکانی، عبیدالله؛ شواهد التنزیل : محمدباقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة ق.
- حکیم ؛ «سبب نزول آیه ولایت» پژوهش های قرآنی، ش ش.
- خاکپور، حسین؛ «نقش و میراث اهل بیت در روایات تفسیری اهل سنت» پایان کتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، ش.
- فدادی، احمد تاریخ بغداد بیروت، مکتب الخانجی، م.
- خوارزمی، موفّ احمد؛ المناقب اشرف: المکتبة الحیدریة ق.
- ذهبی، محمد التفسیر والمفسرون، بیروت: دارالکتب الحدیث ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد سیر اعلام النبلاء : الارنوو و ابوزید، بیروت: الرسال ق.
- رشید رضا، محمد؛ تفسیر المنار ج ، بیروت: دارالمعرفة، بی .
- زرقانی، عبدالعظیم؛ مناهل العرفان بیروت: دارالفکر، ق.
- زرکشی، بدرالدین محمد عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المکتب المصری، بی .
- زرکلی، خیر الدین؛ الاعلام؛ ج ، بیروت: دارالعلم م.
- مخشری، جارالله محمود بن عمر الکشاف؛ : مکتبة التجاریة الکبری ق.
- زحیلی، وهبه؛ التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج دمشق: دارالفکر، م.
- ابن جوزی تذکرة الخواص : زاده، بیروت: اهل البيت، ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد ابراهیم؛ بحر العلوم بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- سمعانی، محمد منصور؛ الانساب : عبدالله لباردی، بیروت: دارالجنان، ق.
- سویدی، ابوالفوز محمد امین؛ سیاتک الذهب فی معرفة قبائل العرب؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن؛ تدریب لراوی بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- الدر المنثور فی التفسیر المأثور بیروت: دارالفکر، ق.
- شاطبی، ابراهیم الموافقات کوشش: عبدالله دراز، بیروت: دارالمعرفة، بی .

- شبرای، ابو محمد عبدالله *الاتحاف بحب الاشراف*؛ ج : رات الرضی، ق.
- شرف الدین، عبدالحسین؛ *المراجعات*؛ : الرضی، تهران: المجمع العالمی البیت، ق.
- شوکانی، محمد فتح *التقدیر الجامع بین الروایة و الدرایة فی علم التفسیر* : الغوش، بیروت: دارالمعرفة، بی .
- شهرستانی، عبدالک مفا^تیح الاسرار ومصاییح الابرار؛ : محمد علی آذرشب تهران، شرکت النشر و احیاء الكتاب ش.
- صبحی صالح، *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت: دارالعلم م.
- سعدی، صلاح الدین *الوافی بالوفیات*؛ بیروت: دارالنشر، ق.
- طباطبایی، محمدحسین؛ *قرآن در اسلام* : دفتر انتشارات اسلامی، ش.
- المیزان فی تفسیر القرآن* تهران: دارالکتب الاسلامیة، ق.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان احمد؛ *المعجم الصغیر* بیروت: دارالکتب العلمیة، ق.
- طبرسی، فضل *الاحتجاج* بیروت: الاعلمی طبوعات و اهل البیت، ق.
- ظہری، ابوجعفر محمد *جامع البیان فی تأویل آی القرآن* بیروت: دارالفکر، ق.
- عبدالرزاق صنعانی، ابوبکر بن ہمام *تفسیر*؛ : محمود محمد عبده، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی .
- عطار یشابوری، شیخ الدین؛ *تذکرۃ الاولیاء* اساس: نیکلسن، تهران: ش.
- العک، عبدالرحمن؛ *اصول التفسیر و قواعدہ* بیروت: دارالفحاش، بی .
- علوی روش‌ها و گرایش‌ها^ی تفسیری : انتشارات اسوه، ش.
- رازی، محمد *مفا^تیح الغیب* بیروت: داراحیاء التراث العربی، ق.
- قاسمی، جمال الدین؛ *محاسن التأویل*؛ بیروت: التاريخ العربی، ق.
- قرطبی، ابو عبدالله احمد؛ *الجامع لاحکام القرآن* ج ، بیروت: دارالکتب العربی، ق و داراحیاء التراث العربی، ق.
- قرمانی، ابوالعباس احمد *اخبار الدول و آثار الاول* بیروت: عالم الکتب، ق.
- ندوزی حنفی، ابراهیم؛ *ینایع المودة* ترجمه: سید توسلیان، تهران: بزرگمهر، بی .
- مراغی، احمد *تفسیر القرآن (تفسیر مراغی)* بیروت: دارالکتب العلمیة، م.
- مسلم، ابوالحسین حجاج؛ *الجامع الصحیح* شرح: ووی، بیروت: دارالکتب العربی، ق.
- ظہری، قاضی محمد ثناء الله؛ *تفسیر لظہری* : احمد غروعنایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ق.
- معارف، مجید؛ *تاریخ عمومی حدیث* تهران: کویر، ش.
- معرفت، محمدهادی؛ *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب* : دانشگاه علوم اسلامی ضوی، ق.
- تفسیر و مفسران* : ال ق.

- . مناوى، محمد المدعو الرؤوف؛ *فيض التقدير*؛ بيروت: دارالفكر، ق.
- . بيدي، رشيد الدين؛ *كشف الاسرار و عمدة الابرار* تهران: ابن ش.
- . نحاس، اب احمد محمد؛ *معانى القرآن الكريم* مكّة المكرّمه : لقرى، ق.
- . احدى، ابوالحسن احمد؛ *اسباب النزول* بيروت: دارالكتب العلميّة، ق.